

بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر خلاقیت دانش‌آموزان

موسی بندک^۱

حسن ملکی^۲

عباس عباس پور^۳

صغری ابراهیمی قوام^۴

چکیده

زمینه: امروزه، خلاقیت یکی موضوعات مهم و کانون توجه صاحب‌نظران حوزه آموزش و پرورش است. پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان در چارچوب برنامه‌های درسی و حتی فوق‌برنامه از اهداف مدارس و نهادهای تربیتی است.

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر خلاقیت انجام شد. روش: پژوهش حاضر از نوع کاربردی است. روش گردآوری داده‌ها شبه آزمایشی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پسر پایه پنجم مقطع ابتدایی شهر بلبان‌آباد است که برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه خلاقیت عابدی بود که قبل و بعد از آموزش مهارت‌های زندگی بین دانش‌آموزان توزیع شد. اعتبار آزمون از طریق آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های سیالی، ابتکار، انعطاف‌پذیری و بسط به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۶۷، ۰/۶۱ و ۰/۶۱ به دست آمده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از میانگین، انحراف استاندارد و واریانس به‌عنوان شاخص‌های آمار توصیفی و از آزمون تی مستقل در آمار استنباطی استفاده شد.

۱. دانشجوی دکتری رشته برنامه‌ریزی درسی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول) mosabandak@yahoo.com

۲. دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه علامه طباطبایی maleki_cu@yahoo.com

۳. عضو هیئت علمی گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه علامه طباطبایی abaspour1986@yahoo.com

۴. عضو هیئت علمی گروه سنجش و اندازه‌گیری دانشگاه علامه طباطبایی Qvam2004@yahoo.com

یافته‌ها: نتایج نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی بر خلاقیت تأثیر دارد. بحث و نتیجه‌گیری: می‌توان نتیجه گرفت که آموزش مهارت‌های زندگی به دلیل تغییر مثبت در خودپنداره، عزت‌نفس، خودآگاهی و کاهش استرس از لحاظ روانی آمادگی خلاقیت در دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد.

کلیدواژه(گان): مهارت‌های زندگی، خلاقیت، دانش‌آموزان، مقطع ابتدایی.

مقدمه

شکوفایی و تجلی خلاقیت و ابتکار عمل از شاخصه‌های رشد و ارتقای علمی هر کشوری به‌عنوان زیرساخت آن محسوب می‌شود. به این دلیل چگونگی رشد و پرورش خلاقیت و ابتکار عمل در دانش‌آموزان و نوجوانان و افزایش خلاقیت یکی از مسائلی است که از دیرباز ذهن اندیشمندان، روان‌شناسان و دانشمندان علوم انسانی را شدیداً به خود مشغول کرده است. جامعه‌ای که بتواند خلاقیت نسل جوان را احیا و شکوفا سازد، از میزان قابل توجه توسعه، رشد و شکوفایی علمی برخوردار خواهد شد و بالعکس به هر میزان که خلاقیت پرورش و تعالی نیابد رکود علمی - صنعتی و فرهنگی را باید برای آن جامعه انتظار داشت (بهرامی، ۱۳۸۸). در واقع، خلاقیت یا آفرینندگی در دستیابی به آینده بهتر نقش محوری بازی می‌کند (Oot & pozzy, 2009؛ ترجمه افروز، ۱۳۸۸). هرچند، موضوع خلاقیت به شکل کنونی آن مرهون تلاش‌ها و زحمات پیشگامان این موضوع یعنی گیلفورد^۱ و تورنس است (فاطمی، حمیدی و قربانی‌نژاد، ۱۳۹۰)؛ اما توجه به پرورش و تقویت خلاقیت همیشه مورد توجه متخصصین تعلیم و تربیت بوده و آن را به‌صورت صریح و ضمنی در برنامه‌های درسی و آموزشی مورد توجه قرار داده‌اند. رشد و تقویت خلاقیت از دوران کودکی آغاز شده و بارور می‌شود. اهتمام به آموزش کودکان، اساس و زمینه رشد جامعه برخوردار از سلامت جسمانی و بهداشت روانی را فراهم می‌سازد. تربیت صحیح کودکان مستلزم آن است که والدین و مربیان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت،

1. Gilford

اهداف تربیتی را مدنظر داشته و به تناسب سن و جنس، توانایی‌ها و محدودیت‌های کودکان، روش‌های مناسب را برای رشد و پویایی نیروی جسمی، روانی و فکری آنان برگزینند (نجفی و همکاران، ۱۳۹۰). جهانی که در آن زندگی می‌کنیم روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شود و نیاز به شناسایی و پرورش ذهن‌های خلاق و آفریننده بیشتر و شدیدتر احساس می‌شود. به همین دلیل در شرایط کنونی مسئله خلاقیت از مهم‌ترین مسائل در قلمرو روان‌شناسی آموزشگاهی است (افروز، ۱۳۸۲). نظام‌های آموزشی که مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهاد تربیتی جوامع به شمار می‌آیند، روزبه‌روز این مسئله را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهند تا جایی که در آموزش ابتدایی، آموزش مهارت‌های فکری پایه و گسترش افق فکری کودکان به‌عنوان یکی از هدف‌های اساسی تعلیم و تربیت درآمده است. متخصصان تعلیم و تربیت معتقدند پرورش و گسترش مهارت‌های خلاق کودکان، امروز می‌تواند پاسخگوی جهان در حال تغییرات فردا باشد و این مقوله را از مهم‌ترین وظایف نظام آموزشی و برنامه‌ریزان درسی می‌دانند (احمدیان، ۱۳۸۹). هرچند گفته شد که جوامع و نظام‌های آموزشی بر خلاقیت و پرورش تأکیدی ویژه دارند اما باید توجه داشت که از خلاقیت تعریفی واحد وجود ندارد و صاحب‌نظران مختلف تعاریف متفاوتی از آن ارائه کرده‌اند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. خلاقیت^۱ یعنی «توانایی اندیشیدن درباره امور به راه‌های تازه و غیرمعمول و رسیدن به راه‌حل‌های منحصر به فرد برای حل مسائل (سانتروک^۲، ۲۰۰۴؛ به نقل از سیف، ۱۳۸۶). مطالعات مختلف نشان داده‌اند که خلاقیت نیازمند داشتن مجموعه‌ای از مهارت‌های پایه و نگرش‌هاست که وجود آن‌ها برای پرورش خلاقیت به‌عنوان عوامل و شرایط بالقوه باید مورد توجه نظام‌های آموزشی باشد (Loveles et al., 2006; Torrance et al., 1989 Nickerson, 1999; Csikszentmihalyi, 1997; Craft, 2005).

1. creativity
2. Santrock

دانشمندان عوامل متعددی از جمله علاقه، اطلاعات، انگیزه، افزایش سرعت واکنش، افزایش حل مسئله و تصمیم‌گیری، اعتماد به نفس و نترسیدن از ابراز عقاید را در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان مؤثر دانسته‌اند (سلطانی، ۱۳۸۱).

تورنس^۱ (1979) درگیری عمیق و توانایی ابراز عاطفی را در امور خلاقه، مهم می‌داند و معتقد است که عواطف و احساسات در پذیرش ایده‌های جدید اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند. آن دسته از افرادی که در زمینه عرضه ایده‌هایشان به دیگران فعالیت می‌کنند نه تنها باید از عواطف و احساسات خود آگاهی خود مطلع باشند، بلکه باید از عواطف و احساسات دیگران که ایده به آنان عرضه می‌شود نیز آگاهی داشته باشند. به‌طور کلی فرایندهای خلاقیت، غیرعقلانی نیستند بلکه فوق‌عقلانی‌اند که فعالیت‌های فکری، ارادی و عاطفی را گرد هم آورده به تحرک وامی‌دارد. وی معتقد است که تفکر خلاق، نمایش بالاترین درجه از سلامت عاطفی و ابراز وجود افراد سالم در جریان خود بهسازی و تکامل خویش است (نادری، ۱۳۸۶).

همچنین در تبیین خلاقیت نظریه‌های مختلفی وجود دارد که در جای خود توضیحی روشن‌گرانه برای عوامل مؤثر بر خلاقیت ارائه کرده‌اند. آمابیلی (1987) معتقد است که خلاقیت پدیده‌ای اجتماعی است و از نیازها، مقتضیات جامعه و شرایط خانوادگی برمی‌خیزد. عده‌ای دیگر نظیر هرینگتون (1960) و تورنس (1974) معتقدند که خلاقیت یک اثر شخصی است؛ یعنی به عواملی نظیر انگیزش، هیجان، عواطف، احساسات، تجربه‌ها و یادگیری‌های شخصی وابسته است. عده‌ای دیگر همچون گیلفورد معتقدند که خلاقیت بُعدی فراشناختی دارد و با فرایندهای عالی ذهنی نظیر تفکر، هوش، تخیل و پردازش اطلاعات ارتباط دارد. بسیاری از پژوهشگران نشان داده‌اند که خلاقیت دانش‌آموزان انعکاسی از شرایط روانی اجتماعی و عاطفی کلاس درس و میزان تصور مثبتی است که آن‌ها از خود دارند (Stojanova, 2010).

آموزش مهارت‌های زندگی یکی از برنامه‌های آموزشی است که باهدف افزایش توانایی روانی و اجتماعی دانش‌آموزان در مدارس ارائه می‌شود. حال با توجه به اینکه خلاقیت و بروز

1. Torrance

آن نیازمند وجود شرایط روانی خاصی از قبیل خود پنداره مثبت، اعتماد به نفس، خود آگاهی، مهارت‌های مقابله با استرس و... است و شرایط اجتماعی از قبیل ارتباطات دانش آموزان در کلاس درس، یادگیری گروهی و مهارت‌های فراشناختی بر آن تأثیر دارد، هدف این بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر خلاقیت دانش آموزان پسر پایه پنجم شهر بلبان‌آباد را بررسی کند.

روش پژوهش

این پژوهش با توجه به هدف کاربردی و با توجه به روش گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات شبه آزمایشی است که در قالب یک طرح پیش‌آزمون/ پس‌آزمون با گروه کنترل اجرا شده است.

جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۲۰ تن از دانش آموزان پسر مقطع ابتدایی شهر بلبان‌آباد در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۹۱ است.

برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. این دانش آموزان بر اساس شاخص‌های جمعیت شناختی همچون سن، تحصیلات، طبقه اجتماعی- اقتصادی، هوش، میزان آگاهی معلمان‌شان از خلاقیت و دانش خود آن‌ها درباره خلاقیت هم‌تا شده بودند. هدفمندی بر این اساس بود که دانشجویانی انتخاب شوند که درباره خلاقیت کمترین دانش را داشته باشند و قبلاً دوره‌های آموزشی خلاقیت را در هیچ شکلی تجربه نکرده باشند که حجم نهایی نمونه تعداد ۴۵ نفر از دانش آموزان بودند که در دو گروه کنترل و آزمایش قرار گرفته‌اند.

برای جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش از پرسشنامه عابدی استفاده شد. پرسشنامه خلاقیت عابدی، شامل ۶۰ سؤال سه گزینه‌ای است که بر اساس آزمون خلاقیت تورنس برای ارزیابی چهار مؤلفه سیالی، ابتکار، انعطاف‌پذیری و بسط، تدوین شده است. برای تمامی سؤالات، گزینه‌ها از کم به زیاد (از الف تا ج) مرتب شده‌اند. نمره‌گذاری آزمون به صورت عینی و ساده است. ارزش نمرات برای تمامی سؤالات برابر بوده و بر اساس نمره کل

آزمودنی تفسیر می‌شود. بدین ترتیب می‌توان برای گزینه (الف) صفر امتیاز، گزینه (ب) یک امتیاز و گزینه (ج) دو امتیاز در نظر گرفت. اعتبار آزمون از طریق آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های سیالی، ابتکار، انعطاف‌پذیری و بسط به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۶۷، ۰/۶۱ و ۰/۶۱ به‌دست آمده است. روایی آزمون با آزمون خلاقیت تورنس و دیگر آزمون‌ها با حدود اطمینان ۰/۹۹ معنی‌دار گزارش شده است.

شیوه اجرا

آزمودنی‌ها پس از انتخاب به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه قرار گرفتند. قبل از آموزش، پرسشنامه خلاقیت عابدی در هر دو گروه توزیع شد و نمرات آن‌ها به‌صورت مجزا وارد نرم‌افزار شد؛ سپس به مدت ۲ ماه و هر هفته ۲ روز و در مجموع ۸ هفته آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان گروه آزمایش ارائه شد. در پایان آموزش مهارت‌های زندگی، پرسشنامه خلاقیت عابدی بین هر دو گروه اجرا شد و سپس نمرات پس‌آزمون آن‌ها وارد نرم‌افزار شد.

شیوه جمع‌آوری اطلاعات

برای جمع‌آوری اطلاعات نخست با مراجعه به منابع مختلف، جزوه‌ای با عنوان مهارت‌های زندگی طراحی شد. در این جزوه، درباره مهارت‌های زندگی، اهداف برنامه آموزش مهارت‌های زندگی، انواع مهارت‌های ده گانه زندگی، قواعد و مراحل اجرای آن شرح داده شده است. پس از تهیه این جزوه، طرح نمونه‌گیری اجرا شد و مدارس، کلاس‌ها، گروه‌ها، آزمودنی‌ها و معلمان موردنظر انتخاب شدند. با مراجعه به مدارس و قرار دادن تصادفی آزمودنی‌ها در گروه‌های آزمایش و کنترل، آزمون سنجش خلاقیت عابدی اجرا شد (پیش‌آزمون). بلافاصله، با انتخاب دو تن از معلمان و ارائه توضیح کافی در مورد فرایند کار طی چند جلسه و همچنین ارائه جزوه دستورالعمل شیوه اجرای آموزش، جزئیات این روش به‌تفصیل آموزش داده شد. مقرر شد در طول هفته، دو جلسه آموزش برگزار شود. در

جلسه‌های اول و دوم دو مهارت آموزش داده شد و در پایان یادگیری دانش‌آموزان آزمون شد. پس از پایان آموزش از دانش‌آموزان هردو گروه آزمون خلاقیت عابدی (پس‌آزمون) گرفته شد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. در بخش توصیفی میانگین، انحراف استاندارد و واریانس و در بخش استنباطی آزمون تی^۱ مستقل بکار گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

فرضیه اصلی: آموزش مهارت‌های زندگی بر خلاقیت دانش‌آموزان مؤثر است.

جدول ۱. مقایسه نمرات دو گروه کنترل و آزمایش در نمره خلاقیت

شاخص آماری	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد	تفاوت میانگین‌ها	مقدار تی	درجات آزادی	سطح معناداری
آزمایش	۲۳	۱۷/۳۰	۶/۲۴۰	۱/۳۰۱	۲۰/۰۳۱	۱۰/۹۸	۴۳	۰/۰۰۰۱
کنترل	۲۲	-۲/۷۲	۵/۹۷	۱/۲۷۴				

همان‌طور که در جدول مشخص است، تفاوت معناداری بین نمرات گروه آزمایش و کنترل در نمره خلاقیت مشاهده می‌شود. مقدار تی مشاهده شده ۱۰/۹۸ با درجات آزادی ۴۳ بزرگ‌تر از مقدار بحرانی ۲/۰۷۱ است، پس با ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت که فرضیه ما مبنی بر اینکه «آموزش مهارت‌های زندگی بر افزایش خلاقیت دانش‌آموزان مؤثر است؟» تأیید می‌شود ($P < ۰/۰۱$).

1. T-test

فرضیه‌های فرعی: ۱- آموزش مهارت‌های زندگی بر شاخص روانی (سیالی) تفکر دانش‌آموزان مؤثر است.

جدول ۲. مقایسه نمرات دو گروه کنترل و آزمایش در نمره سیالی

شاخص آماری متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد	تفاوت میانگین‌ها	مقدار تی	درجات آزادی	سطح معناداری
آزمایش	۲۳	۵/۱۳۰۴	۲/۱۱۷۱۲	۰/۴۴۱۴۵	۵/۹	۱۱/۴۱	۴۳	۰/۰۰۰۱
کنترل	۲۲	-۰/۸۶۳۶	۱/۲۸۳۴۳	۰/۲۷۳۶۳				

در نتایج جدول دو مشاهده می‌شود که تفاوت معناداری بین نمرات گروه آزمایش و کنترل در نمره سیالی وجود دارد. مقدار تی مشاهده شده ۱۱/۴۱ با درجات آزادی ۴۳ بزرگ‌تر از مقدار بحرانی ۲/۰۷۱ است، پس با ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت که فرضیه ما مبنی بر اینکه «آموزش مهارت‌های زندگی بر افزایش سیالی دانش‌آموزان مؤثر است؟» تأیید می‌شود ($P < ۰/۰۱$).

۲- آموزش مهارت‌های زندگی بر شاخص انعطاف‌پذیری تفکر دانش‌آموزان مؤثر است.

جدول ۳. مقایسه نمرات دو گروه کنترل و آزمایش در نمره انعطاف‌پذیری

شاخص آماری متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد	تفاوت میانگین‌ها	مقدار تی	درجات آزادی	سطح معناداری
آزمایش	۲۳	۴/۴۳۴۸	۱/۷۲۷۴۸	۰/۳۶۰۲۰	۵/۵۲	۱۰/۷۶	۴۳	۰/۰۰۰۰۱
کنترل	۲۲	-۱/۰۹۰۹	۱/۷۱۵۷۳	۰/۳۶۵۷۹				

طبق نتایج به دست آمده در جدول سه مشاهده می‌شود که تفاوت معناداری بین نمرات گروه آزمایش و کنترل در نمره انعطاف‌پذیری وجود دارد. مقدار تی مشاهده شده ۱۰/۷۶ با درجات آزادی ۴۳ بزرگ‌تر از مقدار بحرانی ۲/۰۷۱ است، پس با ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت که فرضیه ما مبنی بر اینکه «آموزش مهارت‌های زندگی بر افزایش انعطاف‌پذیری دانش‌آموزان مؤثر است؟» تأیید می‌شود ($P < ۰/۰۱$).

۳- آموزش مهارت‌های زندگی بر شاخص اصالت تفکر دانش‌آموزان مؤثر است.

جدول ۴. مقایسه نمرات دو گروه کنترل و آزمایش در نمره اصالت

شاخص آماری متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد	تفاوت میانگین‌ها	مقدار تی	درجات آزادی	سطح معناداری
آزمایش	۲۳	۴/۲۱۷۴	۱/۷۰۴۴۵	۰/۳۵۵۴۰	۳/۸۰	۴/۰۲	۴۳	۰/۰۰۱
کنترل	۲۲	۰/۳۶۳۶	۴/۱۸۰۹۷	۰/۸۹۱۳۹				

در جدول چهار مشاهده می‌شود که تفاوت معناداری بین نمرات گروه آزمایش و کنترل در نمره اصالت وجود دارد. مقدار تی مشاهده شده ۴/۰۲ با درجات آزادی ۴۳ بزرگ‌تر از مقدار بحرانی ۲/۰۷۱ است، پس با ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت که فرضیه ما مبنی بر اینکه «آموزش مهارت‌های زندگی بر افزایش اصالت دانش‌آموزان مؤثر است؟» تأیید می‌شود ($P < ۰/۰۱$).

۴- آموزش مهارت‌های زندگی بر شاخص بسط تفکر دانش‌آموزان مؤثر است.

جدول ۵. مقایسه نمرات دو گروه کنترل و آزمایش در نمره بسط

شاخص آماری متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد	تفاوت میانگین‌ها	مقدار تی	درجات آزادی	سطح معناداری
آزمایش	۲۳	۳/۵۲۱۷	۲/۶۶۰۶۵	۰/۵۵۴۷۸	۴/۶۶	۶/۳۸	۴۳	۰/۰۰۱
کنترل	۲۲	-۱/۱۳۶۴	۲/۲۱۰۲۷	۰/۴۷۱۲۳				

همان‌طور که در نتایج جدول پنج مشاهده می‌شود، تفاوت معناداری بین نمرات گروه آزمایش و کنترل در نمره بسط وجود دارد. مقدار تی مشاهده شده ۶/۳۸ با درجات آزادی ۴۳ بزرگ‌تر از مقدار بحرانی ۲/۰۷۱ است، پس با ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت که فرضیه ما مبنی بر اینکه «آموزش مهارت‌های زندگی بر افزایش بسط دانش‌آموزان مؤثر است؟» تأیید می‌شود ($P < ۰/۰۱$).

بحث و نتیجه‌گیری

ایجاد شرایط مساعد برای رشد خلاقیت، مستلزم وجود جوّی صمیمی و مطمئن در کلاس درس است. دانش‌آموزان باید بتوانند با آسودگی و بدون استرس در کلاس به اظهارنظر بپردازند و بدون نگرانی هر سؤالی را که در ذهن دارند مطرح کنند. دانش‌آموزان صرف‌نظر از ویژگی‌های فردی نیازمند عزت‌نفس هستند. معلمان باید دانش‌آموزان را آن‌گونه که هستند باور داشته باشند و برای تفاوت‌های فردی آن‌ها احترام قائل شوند. مطالعات مختلف بیانگر این واقعیت‌اند که چنانچه نیاز به عزت‌نفس دانش‌آموزان ارضا نشود، نیازهای گسترده‌تری از جمله آفریدن، پیشرفت و یادکرد و شناسایی استعدادها بالقوه محدود می‌ماند. دانش‌آموزانی که دارای عزت‌نفس بیشتری هستند، توانایی‌های بالاتری در برقرار ارتباط در محیط مدرسه و در ارتباط با معلمان و هم‌کلاسی‌های خود دارند. این مسئله باعث می‌شود، توانایی‌ها و ارزشمندی‌های خود را آسان‌تر به منصفه ظهور برسانند. چنین دانش‌آموزانی خودآگاهی بیشتری نسبت به توانمندی‌های خود پیدا می‌کنند و خود را بهتر و بیشتر می‌شناسند، هیجانات خود را بهتر و آسان‌تر کنترل می‌کنند و این امر منجر به خودنظمی بیشتری در آن‌ها می‌شود. در این پژوهش محتوای مهارت‌های زندگی ارائه‌شده است چون به آموزش مهارت‌هایی همچون عزت‌نفس، مسئولیت‌پذیری فردی، مدیریت احساسات، خودنظمی، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های مقابله با استرس و... پرداخته است. این مهارت‌ها باعث ایجاد جوّ روانی مثبت و مطلوب در جریان آموزش شد و بعد از آن دانش‌آموزان با شرکت در برنامه آموزشی طراحی شده که مشتمل بر چندین مهارت زندگی بود، توانستند برخی از عوامل هیجانات نامطلوب که عملکرد تحصیلی آن‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌داد، کنترل کنند و زمینه پرورش خلاقیت آن‌ها را فراهم آورد.

منابع

- احمدیان، حسام. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین ارضای نیازهای بنیادین روانی با خلاقیت در دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهرستان کامیاران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- افروز، غلامعلی. (۱۳۸۸). *روان‌شناسی کودکان استثنایی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بهرامی، مهناز. (۱۳۸۸). چگونگی رشد و پرورش خلاقیت و ابتکار عمل در دانش‌آموزان. روزنامه مردم‌سالاری، مهرماه ۱۳۸۸
- داوری، رحیم. (۱۳۸۶). رابطه خلاقیت و هوش هیجانی با سبک‌های کنار آمدن با استرس. *مجله اندیشه و رفتار*، دوره دوم، شماره ۶، ۴۹-۶۲.
- سلطانی امیرآبادی، مرضیه. (۱۳۸۱). بررسی رابطه بین خلاقیت و شیوه‌های مقابله با استرس در دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.
- نجفی، مینا؛ سپیده، مژگان؛ عرب خزائلی، نرگس. (۱۳۹۰). چالش‌های بازدارنده خلاقیت در مراکز پیش از دبستان شهر تهران از دیدگاه مربیان. مجموعه مقالات همایش خلاقیت‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد.

- Chien, Chu-ying & Hui, Anna N.N. (2010). Creativity in early childhood education: Teachers' perceptions in three Chinese societies. *Thinking skills and creativity*. 5(2). p49-60.
- Craft, A. (2005), *Creativity in Schools: Tensions and Dilemmas*. London: Routledge/Falmer
- Csikszentmihalyi, M. (1997). *Creativity: Flow and the Psychology of Discovery and Invention*. Harper Perennial.
- Loveless, A., Burton, J., & Turvey, K. (2006). Developing conceptual frameworks for creativity, ICT and teacher education. *Thinking Skills and Creativity*, 1(1), 3-13.
- Nickerson, R.S. (1999). Enhancing creativity. In: Sternberg, R.J. (Ed.) *Handbook of Creativity*. Cambridge University Press: Cambridge.
- Pozzi F., Ott M. (2009). Fostering creativity in online collaborative learning environments. In *Proceedings of the Workshop on "Methods & Tools for Computer Supported Collaborative Creativity Process: Linking creativity & informal learning"* - EC-TEL 2009, CEUR workshop Proceedings, vol. 536.

- Stojanova, B. (2010) Development of creativity as a basic task of the modern educational system. *Social and Behavioral Sciences* 2.
- Torrance, E. P., Glover, J. A., Ronning, R. R., & Reynolds, C. R. (Eds.) (1989). *Handbook of creativity: Perspectives on individual differences*. NY: Plenum Press.

